



## متاورس و حقوق بین الملل

ابراهیم بیگ زاده<sup>۱</sup>

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۷

### چکیده

پیشرفت‌های علمی در عرصه‌های مختلف ضمن فراهم کردن آسایش و رفاه بیشتر برای بشر، او را با چالش‌های فراوانی هم مواجه کرده و می‌کند. یکی از عرصه‌های پرشتاب پیشرفت‌های فناوری را می‌توان در فضای مجازی مشاهده نمود که هر روز شاهد نوآوری‌های شگفت‌انگیزی در آن هستیم. هنوز ابعاد مختلف هوش مصنوعی و توانایی‌های بالقوه آن به طور کامل مشخص نشده‌اند، متاورس یا "جهان واقعیت مجازی" که در واقع جهانی موازی با جهان واقعی است، سر برآورده است. جهانی که در آن انسان از طریق ساخت آواتارها (آدمک‌ها) و در آینده نزدیک خود به صورت فیزیکی در آن کنشگری می‌کند و می‌تواند تقریباً هر آنچه را که اراده می‌کند، انجام دهد. اگرچه متاورس ره‌آورد‌های مثبت زیادی در قلمروهای مختلف از جمله آموزشی، هنری، تجاری، تفریحی و... به ارمغان آورده است، مع‌هذا علم حقوق به طور کلی و حقوق بین‌الملل به عنوان نظام حقوقی حاکم بر جامعه بین‌المللی بین‌الدولی به طور خاص را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. ماهیت سیال و فراملی این جهان موازی و تعدد کاربران آن که بالغ بر میلیون‌ها و بلکه میلیارد‌ها اشخاص حقیقی و حقوقی و روبات‌ها هستند، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌توان روابط در این جهان و مشکلات آن را با قواعد حقوق بین‌الملل جاری در جهان واقعی تنظیم و حل نمود؟

دوفصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



در فرض نخست به نظر می‌رسد بتوان با وحدت ملاک میان فضای سایبری معمولی و متاورس، قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر جهان واقعی را در آن اجرا و روابط موجود در آن جهان را تنظیم و مشکلات ناشی از استفاده از آن را حل کرد. در مقابل این فرض هم مطرح است که با توجه به ماهیت متفاوت متاورس با فضای سایبری عادی و همچنین به علت تعدد کاربران و کنشگران آن نتوان مقررات حقوق بین‌الملل موجود در جهان واقعی را برای تنظیم روابط و حل مشکلات ناشی از استفاده از آن به‌کار گرفت.

این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌های فاحش میان متاورس و فضای سایبری عادی امکان نمی‌دهد که بتوان روابط میان کاربران و مشکلات ناشی از کاربرد آن را با قواعد حقوق بین‌الملل در جهان واقعی حل نمود. چه باید کرد؟ آیا باید این جهان موازی را بدون قواعد رها نمود و اجازه داد هر روز مشکلات بیشتری نسبت به قبل ایجاد شوند و یا آنکه باید قواعدی برای آن وضع کرد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ به قسمت دوم سؤال مطرح یعنی لزوم وضع قواعد برای جهان واقعیت مجازی، آیا باید از همان قالب‌های سنتی حقوق بین‌الملل همچون معاهده و عرف که علی‌الاصول فقط دولت‌ها و بعضاً سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی از آنها برای خلق قواعد بین‌المللی استفاده می‌کنند، بهره جست یا آنکه باید انقلاب و دگرگونی بنیادینی در شیوه‌های خلق و اجرای مقررات بین‌المللی رخ دهند؟ این سؤال‌ها در پی ناتوانی دولت‌ها در حل مشکلات مهم ناشی از پیشرفت‌های علمی به ویژه در فضای مجازی مطرح می‌شوند. این ناتوانی خود حکایت از افزوده شدن بحرانی دیگر بر بحران‌های پیشین ساختار و ستفالیایی جامعه بین‌المللی بین‌الدولی می‌کند. ساختاری که پس از قرن‌ها غصب جایگاه انسان به عنوان کنشگر اصلی و حقیقی جامعه جهانی، با پیدایش و افزایش روز افزون تضادهای آنتاگونیستی پایه‌هایش به لرزه درآمده، رفته رفته در حال فروپاشی و پیوستن به بایگانی تاریخ بشر است.

**واژه‌های اصلی:** حقوق بین‌الملل، متاورس، حاکمیت و صلاحیت، سرزمین، مسئولیت بین‌المللی، امنیت ملی، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، حقوق مالکیت فکری.

## آغاز سخن

عرصه پرتلاطم پیشرفت‌های فناوری، هر لحظه انسان را با امواج سهمگین جدیدی رو به رو و شگفت زده کرده، او را وادار می‌کند که به تنظیم روابط ناشی از این پیشرفت‌ها بپردازد. روزگاران این پیشرفت‌های فناورانه با کندی در جهان واقعی قابل مشاهده بود. با دسترسی به اینترنت از سال ۱۹۶۹<sup>۱</sup> شگفت‌انگیزترین پدیده‌ها را می‌توان مشاهده نمود. با ظهور اینترنت و فراگیر شدن آن انقلابی



۱- در مورد تاریخچه پیدایش اینترنت برای مثال رجوع شود به بیگزاده ابراهیم «حقوق بین‌الملل» جلد دوم، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، پاییز ۱۴۰۲، صفحه ۱۵۱۷.

در جهان به وقوع پیوسته است. انقلابی که هم به نفع بشریت و برقراری دموکراسی با به چالش کشیدن دولت های اقتدارگراست و هم متأسفانه بستری برای سوءاستفاده و ارتکاب جرائمی است. دولت این هیولای وستفالیای که هنوز گریبان خود را از دست این پدیده به طور کامل نرهنانیده بود و آن را به زیر سلطه مطلق خود در نیاورده بود، هوش مصنوعی<sup>۱</sup> پا به عرصه وجود گذاشت. پدیده ای که هر روز با پیشرفت خود می رود تا پا به پای انسان و بعضاً جلوتر از او در زندگی مادی و عینی جا باز کند. این پیشرفت بلاانقطاع اکنون به جهان مجازی تحت عنوان «مناورس»<sup>۲</sup> رسیده است. جهانی سه بعدی که در آن انسان با استفاده از اینترنت و به کمک عینک (ماسک مخصوص) و دستکش لمسی و با ساخت آدمک<sup>۳</sup> (آواتار) مخصوص خود نقش اساسی در آن ایفا می کند و می تواند تقریباً هر آنچه را که تمایل دارد، انجام دهد. در این فضا از استفاده های مثبت مانند آموزش، هنر، تفریحات، تجارت و... گرفته تا کاربردهای منفی مانند تعرض به قلمروها و عرصه های مرتبط با دولت و انسان و حقوق او را می توان مشاهده کرد. یکی از مهم ترین عرصه های دانش بشری که با ظهور مناورس به چالش کشیده است، علم حقوق در کلیه شاخه های خود اعم از حقوق جزا، حقوق خصوصی، حقوق عمومی و به خصوص حقوق بین الملل است. در این نوشتار تلاش بر آن است که آثار مناورس بر حقوق بین الملل مورد بررسی اجمالی قرار گیرد. البته مناورس بر قلمروهای متعددی از حقوق بین الملل اثر می گذارد، معذک در این نوشتار فقط دو عرصه به دلیل اهمیتشان انتخاب و مورد مطالعه اجمالی قرار می گیرند. عرصه اول مرتبط با بازیگران وستفالیایی یعنی دولت هاست، که به لحاظ اهمیت شامل حاکمیت و مسئولیت بین المللی و امنیت ملی است. عرصه دوم در ارتباط با انسان و حقوق اوست که شامل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و حقوق مالکیت فکری می شود.

سؤال اساسی در تحقیق حاضر این است که آیا می توان مقررات حقوق بین الملل در عرصه های



۱- برای مطالعه در مورد هوش مصنوعی برای مثال رجوع شود به Naully Nicolas, «L' Intelligence

Artificielle (IA) au service de l'humain », Publie le 11 Fevrier 2022, Date de reference le 15 Aout 2024

۲- مناورس (Metavers) که از ترکیب دو کلمه Meta با ریشه یونانی و Univers با ریشه انگلیسی به وجود آمده است، شامل جهان یا جهان های مجازی سه بعدی (Web D3) ساختارمند و قابل دسترسی همگان با استفاده از عینک یا ماسک های مخصوص و دستکش لمسی (Haptique) است. برای فعالیت به خصوص تجاری در این فضا اغلب به بلاکچین، کریپتومونه (Cryptomonais) یا پول مجازی و ژتون های شخصی (NFT (Non-Furgible-Token یا در زبان فرانسوی (Jeton Non-Forgible) که منحصر به فرد و خاص هر کس است، نیاز است.

۳- در حال حاضر اشخاص می توانند با ساخت آدمک یا شکلک (Avatar) مورد نظر و خاص خود در مناورس فعالیت کنند. با توجه به نظر یکی از متخصصان تا پنج سال آینده انسان خود مستقیماً و به صورت فیزیکی در مناورس فعال خواهد شد و نیاز به آواتار نیست. چیزی که می تواند مسائل مطروح در مناورس را پیچیده تر کند. در حال حاضر از وب چهار و وب پنج هم صحبت در میان است. برای مطالعه بیشتر در مورد آواتارها و وضعیت حقوقی آنها برای مثال رجوع شود به، L'avatar raisonnable: L'enjeu jurisprudentiel de la prochaine decennie? In blogue.souqij.qc.ca/ 2023/06/14, 2023

پیش‌گفته را به همان شکلی که در جهان واقعی وجود دارند و اجرا می‌شوند در متاورس نیز اجرا نمود؟ فرضیه اول آنکه می‌توان با اتخاذ وحدت ملاک میان فضای سایبری عادی و متاورس، مقررات بین‌المللی موجود در جهان واقعی را که قابل اعمال در فضای سایبری عادی هستند، در متاورس نیز اجرا نمود.

فرضیه دوم آنکه به علت ماهیت متفاوت فضای سایبری عادی و متاورس که در آن انسان به کنشگری مستقیم و ایفای نقش می‌پردازد، نمی‌توان مقررات حقوق بین‌الملل موجود در جهان عینی و واقعی را در متاورس اعمال نمود و باید به فکر تصویب مقررات جدید منطبق با متاورس یعنی جهان موازی مجازی بود. در این صورت باید علی‌الاصول دگرگونی مهمی در شکل‌گیری مقررات بین‌المللی در این عرصه (متاورس) را شاهد بود.

این نوشتار با استفاده از منابع مکتوب از جمله اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، دکترین‌های مطرح در قلمروهای حقوق و روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی مرتبط با فضاها، مجازی، تحقیقات میدانی و بهره‌گیری از نظر صاحب‌نظران فضای مجازی به ویژه متخصصان متاورس به رشته تحریر درآمده است.

این تحقیق در دو بخش ارائه می‌گردد:

بخش اول اختصاص به تأثیر متاورس بر عناصر متشکله دولت و قلمروهایی دارد که علی‌الاصول کنشگران اصلی آن دولت‌ها هستند. بخش دوم به واکاوی تأثیر متاورس بر عرصه‌هایی می‌پردازد که انسان منتفع و در بسیاری از موارد کنشگر اصلی در آنهاست.

### بخش اول: متاورس و تأثیر آن بر عناصر تشکیل‌دهنده دولت و قلمروهای کنشگری آن

ظهور متاورس نه فقط عناصر تشکیل‌دهنده دولت‌ها را با چالش مواجه ساخته، بلکه بر قلمروهایی که علی‌الاصول این کنشگر و ستفالیایی در آنها فعالیت می‌نماید نیز اثر گذاشته است که از آن جمله هوا، فضا، اقتصاد و... هستند. بدیهی است که در این نوشتار نمی‌توان به اثر متاورس بر تمامی مسائل فوق پرداخت. بنابراین اثر این جهان واقعیت مجازی ابتدا بر مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده دولت و سپس بر برخی از عرصه‌های فعالیت آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### مبحث اول: متاورس و تأثیر آن بر عناصر تشکیل‌دهنده دولت

به طور سنتی حقوق بین‌الملل حداقل سه عنصر را برای تشکیل دولت ضروری می‌داند که شامل سرزمین، جمعیت و اقتدار سیاسی یا حکومت (که در اینجا سهواً تحت عنوان حاکمیت لحاظ می‌شود) است. در این بخش اثر متاورس بر دو عنصر مهم سازنده دولت یعنی حاکمیت و سرزمین مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.



## الف: متاورس و حاکمیت دولت

حاکمیت از زمان طرح آن در جامعه بین‌الدولی توسط ژان بدن<sup>۱</sup> به مثابه قدرتی مطلق و دائمی برای وجود دولت لحاظ شده است. حاکمیت که در ارتباط با اقتدار دولت‌ها برای حکومت کردن است، در واقع بستری برای اجرای صلاحیت‌های آنها اعم از داخلی (در امور کیفری، حقوقی، اداری، مالی و...) و بین‌المللی (به عنوان چارچوبی برای تنظیم روابط دولت‌ها با یکدیگر و با سایر تابعان حقوق بین‌الملل) لحاظ شده است. حاکمیت که در ابتدا فردی و متعلق به پاپ، شاه، حاکم و... بود، در پی بروز انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی سده هیجدهم تحول یافته، «حاکمیت ملی» به مفهومی جهان‌شمول تبدیل شده است. به گونه‌ای که هر دولت در اجرای حاکمیت ناشی از اراده جمعی مردم خود می‌تواند بر مقدرات خویش مسلط بوده، نحوه حکمرانی و اداره مسائلش را مستقل از دیگر دولت‌ها (البته با رعایت ارزش‌ها و اصول و قواعد بنیادین جامعه بین‌المللی) رقم بزند. دولت در راستای قدرت ناشی از حاکمیت برابر با سایر دولت‌ها می‌تواند بدون هراس و نگرانی از مداخله قدرت‌های خارجی برنامه‌های خود را در راستای حفظ و تضمین حقوق و منافع مردم تحت صلاحیتش اجرا و به پیش ببرد. حاکمیت دولت در جهان وستفالیایی بالاجبار منشأ بسیاری از مقررات از جمله «ممنوعیت کاربرد زور» و «ممنوعیت برخی اعمال تجاری همچون تجارت برده»، «ممنوعیت تبعیض نژادی» و به ویژه «حقوق بشر» شده است.<sup>۲</sup> اگرچه اجرای صلاحیت‌های ناشی از حاکمیت در خصوص اعمال متخلفانه در جهان واقعی و فیزیکی با مسائل و مشکلاتی مواجه است، ولی حقوق بین‌الملل در تلاش دائمی خود توانسته تا حدودی راه‌حلی برای آنها به خصوص با تاسی به صلاحیت‌های شخصی و سرزمینی و واقعی ارائه نموده، ثباتی نسبی ایجاد کند. این در حالی است که اجرای این صلاحیت‌ها در متاورس یعنی در جهان واقعیت مجازی<sup>۳</sup> با ماهیت سیال و فراملی که در آن کاربران می‌توانند اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی (با تابعیت‌های مختلف و

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



۱- ژان بدن (Jean Bodin) حاکمیت را از کلمه لاتین (Superamus) گرفته که به معنای «بالترین» است. برای مطالعه بیشتر نظر حاکمیت ژان بدن برای مثال رجوع شود به Bodin Jean, "On sovereignty", Cambridge University Press, 2003

البته برخی بر این نظرند که منشأ و ریشه اولیه حاکمیت در عبارت "Liberi Populus externus is qui nullius alterius populi potestatis est subjectus" در مجموعه Justinian's Digest نهفته است. این مجموعه در برگزیده نظریه ۳۹ تن از حقوقدانان رومی است. علاوه بر آن کد ژوستینیان هم وجود دارد که حاوی فرمان‌های امپراطوران روم است. برای مطالعه در این مورد برای مثال رجوع شود به Adrian Alexe, "End of the Free World", Edition Aldo press, 2009, P.152

۲- البته ایجاد این مقررات به معنای آن نیست که دولت‌ها آن مقررات را دقیقاً اجرا می‌کنند. حتی در دولت‌هایی که داعی دموکراتیک‌تر بودن از سایرین را دارند، می‌توان به سهولت شاهد نقض بسیاری از این مقررات به ویژه قواعد مرتبط با حق‌های بشری بود. این یکی از نیرنگ‌های دولت‌هاست، که برای پاسخگویی ظاهری به خواست مردم جامعه خود قواعدی را وضع می‌کنند، ولی در عمل حسب مورد آنها را به سهولت نقض می‌نمایند. پارادوکسی که جامعه وستفالیایی با آن دست به گریبان است.

حتی چند تابعیتی)، اشخاص حقوقی عمومی و حتی ربات‌ها باشند، مسئله را بسیار مبهم و پیچیده می‌کند. برای مثال اگر آواتار یکی از کاربران به تمامت سرزمینی دولتی تعرض و خساراتی را به آن دولت یا اتباعش وارد کرد، صلاحیت (به مثابه بارزترین نماد اعمال حاکمیت) کدام دولت و در مورد چه شخصی قابل اعمال است؟ آیا صلاحیت دولت متبوع کاربر یا دولت متبوع قربانی تعرض و یا دولت محل انجام آن تعرض قابل اعمال است؟ به فرض روشن شدن این مسئله، این صلاحیت باید در مورد چه شخصی اجرا شود؟ آیا شخص حقیقی که آن آواتار را ساخته است یا خود آواتار موضوع اعمال آن صلاحیت قرار می‌گیرد. سؤال اخیر از این منظر مطرح می‌شود که امکان خودمختار شدن آواتارها و اتخاذ تصمیم فارغ از خالقان خود نیز قابل تصور و حتی به نظر متخصصان ممکن است. در اینجاست که به نظر می‌رسد متاورس امکان خلق هنجارها و اصول حتی با ثبات نسبی را ندهد. شرکت مستقیم افراد حقیقی و حقوقی عمومی و خصوصی و حتی ربات‌ها که قادرند از هر کجای جهان واقعی در متاورس عمل کنند، می‌تواند مانع ایجاد یک نظم حقوقی روشن و دقیق و نسبتاً باثباتی برای فعالیت‌ها در این فضا شود. این مشکل اکنون با ابعاد گسترده‌تری مطرح است، چون که در حال حاضر متاورس‌های متعددی وجود دارند. این سبب می‌گردد در صورت به نظم کشیدن برخی از آنها، جهان واقعی شاهد وجود جهان‌های مجازی گسسته، نابرابر و فاقد یک نظم حقوقی واحدی گردد<sup>۱</sup>. چه باید کرد؟ آیا مقررات بین‌المللی حاکم بر جهان واقعی و فیزیکی در متاورس برای حفظ حاکمیت دولت‌ها و پیشگیری از تعرض به آن قابل اعمال هستند؟ آیا در فرض به نظم کشیدن برخی متاورس‌ها در تعدادی از دولت‌ها، نتیجه‌اش محدود شدن حاکمیت دیگر دولت‌ها و آزادی عمل دیگر کاربران نخواهد بود؟ به نظر نمی‌رسد با توجه به چالش‌های چند وجهی ناشی از فعالیت‌های ممکن در متاورس مقررات موجود حقوق بین‌الملل حاکم بر جهان واقعی حتی با برخی تفاسیر موسع بتوانند بر جهان‌های مجازی (حتی در صورت ایجاد یک متاورس واحد) قابل اعمال باشند. آیا پیچیدگی‌ها و چالشی بودن مسئله حاکمیت در متاورس نمی‌طلبد که مبادرت به مشورت با کلیه کنشگران جامعه بین‌المللی نمود. مشورتی که حاصلش احیاناً بتواند تضمین ایمنی و منصفانه بودن استفاده از متاورس برای کلیه کاربران در جهان و حفظ حاکمیت دولت‌ها باشد؟ آیا این می‌تواند به عنوان راه‌حلی در نظر گرفته شود؟

مسئله دیگر آنکه متاورس فقط حاکمیت دولت‌ها را به چالش نکشیده، بلکه یکی دیگر از عناصر مادی دولت یعنی سرزمین را هم متأثر می‌کند، اگرچه در این مورد می‌توان اثر نسبتاً مثبتی از



۱- طبق گفته برخی از متخصصان در آینده نه چندان دور دیگر نیازی به آواتار هم نیست و اشخاص خود می‌توانند در متاورس به فعالیت بپردازند.

۲- در این مورد می‌توان به فعالیت‌های شورای اروپا برای به نظم کشیدن متاورس اشاره نمود. برای مثال رجوع شود به Andi-Lucian Cristea, «Risques et opportunités du Metavers», Rapport de l'Assemblée Parlementaire du Conseil de l'Europe, As/Cult (2023), 23 Mai 2023, Date de référence 15 Aout 2024

متاورس را مشاهده نمود.

### ب: متاورس و سرزمین دولت

در آغازین سخن این قسمت باید میان «حکومت بدون سرزمین»<sup>۱</sup> و «دولت بدون سرزمین»<sup>۲</sup> قائل به تفکیک شد. «حکومت بدون سرزمین» امکان وجود دارد و آن زمانی است که حکومت به دلایل متعددی از جمله اشغال ممکن است سرزمین خود را به طور موقت در اختیار نداشته باشد. این پدیده به کرات دیده شده است. در دوران جنگ دوم جهانی پس از اشغال چندین کشور در اروپا توسط آلمان هیتلری، بسیاری از سران حکومت آنها مبادرت به تشکیل حکومت در تبعید کردند، که بارزترین آن حکومت در تبعید ژنرال شارل دوگل در لندن بود که سرانجام با کمک متفقین و گروه‌های مقاومت مردمی منجر به آزادی فرانسه از اشغالگران نازی شد. همچنین می‌توان از حمله عراق به کویت و اشغال سرزمین آن کشور در سال ۱۹۹۰ یاد کرد. اشغالی که در پی تشکیل ائتلافی به رهبری آمریکا و حمله به عراق و بیرون راندن آن از کویت پایان یافت. در حال حاضر می‌توان به اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط رژیم اشغالگر اسرائیل اشاره نمود. اشغالی که با نسل‌کشی و کشتار فلسطینیان همچنان ادامه دارد. مع‌هذا در هیچ یک از این حالات سرزمین محو و از میان نرفته است، بلکه فقط برای مدتی در اختیار حکومت آن دولت قرار نداشته است. اما در خصوص «دولت بدون سرزمین» باید گفت که دیگر «سرزمین» وجود خارجی ندارد. برای مثال می‌توان به سرزمین‌های «دولت‌های در حال غرق» اشاره نمود که به علت بالا آمدن سطح آب دریاها در پی تغییرات اقلیمی در حال غرق و محو شدن هستند. در حال حاضر چندین دولت در حال غرق به صورت قطعی شناسایی شده‌اند.<sup>۳</sup>

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



براساس برآوردهای متخصصان، برخی از آنها به طور قطع حداکثر تا سال ۲۱۰۰ از صفحه روزگار محو خواهند شد. در حال حاضر کشور تووالو (Tuvalu) با پدیده غرق‌شدگی به صورت واقعی رو به رو شده است. سه جزیره از نه جزیره تشکیل‌دهنده این کشور مجمع‌الجزایری تا به حال به زیر آب رفته، محو شده‌اند و بیشترین ارتفاع بقیه جزایر باقی مانده از سطح دریا فقط پنج متر است.<sup>۴</sup> حال سؤال این است که در صورت غرق شدن کامل سرزمین آن آیا این کشور همچنان می‌تواند به حیات خود ادامه دهد؟ در نگاه اول که مبتنی بر قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه جاری در جهان واقعی است، پاسخ قطعاً منفی است. دلیل آن هم این است که دولت برای سازمان دادن و نظم و نسق

1- Government without Territory or Gouvernement sans Territoire

2- State without Territory or Etat sans Territoire

۳- می‌توان برای مثال به دولت‌های تووالو، نورو، کیریباتی، جزایر مارشال و مالدیو اشاره کرد.

۴- برای مطالعه در این خصوص برای مثال رجوع شود به

Larmagnac-Mathern Octave, «Tuvalu dans le Metavers: Un Etat peut-il exister sans territoire?», publiée le 06 janvier 2023, Date de reference le 15 juillet 2024

بخشیدن به امور جامعه و اعضای تحت اقتدار خود به ویژه اعمال صلاحیت هایش نیازمند یک فضای عینی و مادی یعنی سرزمین است. به همین دلیل است که اغلب صاحب نظران و متفکران سیاسی و حقوقی بر این عقیده اند که «سرزمین یکی از شروط ضروری» برای «هستی» یک دولت است و تصور «دولت بدون سرزمین» ممکن نیست.<sup>۱</sup> به دیگر سخن، طبق این نظر سرزمین عنصر اساسی و ذاتی دولت است. این نگرش با طرح نظریه ای دایره بر اینکه «سرزمین» در زمره اموال دولت است تا حدودی تعدیل شده است. در این نگاه «سرزمین» به عنوان یک مایملک لحاظ می شود که در زمره دارایی های دولت قرار دارد. اگرچه در این نظر هم «سرزمین» همچنان به عنوان عنصر ذاتی در تشکیل دولت لحاظ می شود، اما «شرط ضروری» برای «هستی» آن محسوب نمی شود.<sup>۲</sup>

نظریه اول با پیدایش نظریه «شکل گرایی» با چالش بسیار جدی مواجه شده است. بر اساس این نظریه «سرزمین» فقط یک قلمرو برای اعمال صلاحیت و انجام فعالیت های دولتی است. از این منظر «سرزمین» دیگر ذاتی و لازمه «هستی» دولت نیست، بلکه محدوده ای برای اعمال صلاحیت است.<sup>۳</sup> به همین دلیل دولت ها ممکن است با کسب سرزمین هایی قلمرو اعمال صلاحیت خود را گسترش داده، حتی یک محدوده سرزمینی برای ادامه حیات خود کسب کنند. پیدایش این نظریه سبب می شود که یک بار دیگر برای پاسخ به سؤال «آیا وجود دولت بدون سرزمین» ممکن است؟<sup>۴</sup> تأمل بیشتری نمود. آیا واقعاً با توجه به پیشرفت های علمی می توان وجود «دولت بدون سرزمین» را به صورت مطلق انکار نمود؟ اگر سرزمین به عنوان عرصه ای برای فعالیت ها و انجام پاره ای اقدام های دولت لحاظ شود، آیا این فعالیت ها و اقدام ها نمی توانند در قلمروی جایگزین غیر از «سرزمین» مادی اجرا شوند؟ به نظر می رسد، پاسخ به این سؤال به چند شکل ممکن باشد. برای مثال دولتی که سرزمینش از دست می رود ممکن است طی توافقی با دولت دیگر، قسمتی از سرزمین آن را از طریق انتقال یا خرید<sup>۵</sup> در اختیار بگیرد و بتواند به این ترتیب همچنان به حیات فیزیکی خود ادامه دهد. اما



۱- در این مورد برای مثال رجوع شود به

-Low Vaughan” International Law”, Oxford Press University, 2007

- Jenning Robrt and Watts Arthur “ Openheim’s International Law”, 9th edition

-Craford James Richard “ The creation of states in international law”, Oxford Press University, 2006

بر آنها باید نظرات منتقدین همچون Walter Schoenborn, Carl Schmit, Reymond Carre De Malberg را نیز اضافه نمود.

۲- در این مورد برای مثال رجوع شود به «Ortolan Theodore,» Regles internationales et diplomatie de la mer

۳- برای مطالعه نظریه های مطروح در مورد سرزمین برای مثال رجوع شود به

Le Large Aurelia,» la disporition du terrotoire de l’Etat du fait de l’elevation du niveau des mers», in « Territoire: Ap-proches juridiques», Sous la Directions

Camguilhem Benoit, Pessina Stephan, ed: Presse Universitaire de Rouen, et du Havre, 2021

۴- کسب سرزمین از طریق خرید در گذشته متداول بوده است. به عنوان مثال تعدادی از ایالت های آمریکا از کشورهای فرانسه، مکزیک و روسیه تزاری (آلاسکا) خریداری شده است. اما در حال حاضر دولت ها تن به انجام این کار نمی دهند. برای نمونه پیشنهاد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا برای خرید گرینلند شرقی از دولت دانمارک به شدت از سوی آن

این راه حل با معضلات متعددی مواجه است. از آن جمله و به خصوص باید دولتی یافت که حاضر شود بخشی از سرزمین خود را بدون ما به ازا و یا حتی در قبال ما به ازایی به دولت دیگر منتقل کند. پدیده‌ای که در این روزگاران کمتر امکان پذیر است، اگر گفته نشود که غیر ممکن می‌نماید. ضمن آنکه دولت‌های در حال غرق از توان مالی برای خرید بخشی از سرزمین دولت دیگر برخوردار نیستند. برای مثال کشور در حال غرق تووالو قادر نیست بخشی از سرزمین کشور استرالیا را خریداری نماید، حتی اگر استرالیا حاضر به فروش بخشی از سرزمین خود به آن شود.<sup>۱</sup> فرض دیگر آن است که دولتی حاضر شود، دولت در حال غرق را در قلمرو خود جای دهد، در این حالت آیا دولت غرق شده از حاکمیت واقعی در سرزمین آن دولت برخوردار خواهد شد؟ به خصوص آنکه این استقرار علی‌الاصول نمی‌تواند دائمی باشد. البته ممکن است دولت‌هایی حاضر به پذیرش مردم دولت در حال غرق باشند، پدیده‌ای که در موافقتنامه منعقد فیما بین تووالو و استرالیا قابل مشاهده است<sup>۲</sup>، ولی سرزمین در اختیار آنان قرار نمی‌دهند. اگرچه این نوع موافقتنامه‌ها به لحاظ انسانی حائز اهمیت است و جان انسان‌های کشورهای در حال غرق را نجات می‌دهد، اما در میان مدت و به خصوص بلند مدت مردم آن سرزمین‌ها در جامعه میزبان ادغام شده، هویت فرهنگی و تاریخی و زبانی خود را از دست خواهند داد و نسل‌های آینده مردم آن کشورها از اینکه نیاکان و حتی پدران آنها خود سرزمینی با فرهنگ و تاریخ و زبان خاصی داشتند، اطلاعی نخواهند یافت. بدین ترتیب با محو سرزمین‌ها در واقع مردم آن سرزمین‌ها هم محو می‌شوند.

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۳۳  
دوره پنجم، شماره دهم



عده‌ای دیگر با الهام و تا حدودی الگوبرداری از نظام قیمومت سازمان ملل متحد در تلاش هستند تا راه حلی ارائه نمایند. آنان پیشنهاد می‌کنند که شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد باید ترتیبات و متعاقب آن عملکردهای لازم در مورد «مردم سابقاً مستقر»<sup>۳</sup> و سرزمین محو شده را تعیین و هدایت کنند یا آنها را تحت نظارت خود قرار دهند. در این حالت سازمان ملل متحد می‌تواند نهادی (برای مثال دفتری) با هدف پشتیبانی از تسهیل حکومت‌داری و حکمرانی از راه دور

دولت رد شد و این سبب گردید که ترامپ سفر خود را به این کشور لغو نماید.

۱- این فکر در قالب "دولت تغییر مکان داده" یا "دولت جابه‌جا شده" "Etat delocalise" توسط برخی از محققین هم مطرح شده است. آنان معتقدند که از دست رفتن قلمرو طبیعی یک دولت یعنی "سرزمین" این امکان را به وجود می‌آورد که آن

خلاء با استقرار آن دولت در بخشی از سرزمین دولت دیگر جبران شود. Le Large Aurelia, op.cit.

۲- در موافقت‌نامه‌ای که بین استرالیا و تووالو منعقد شده است مقرر گردیده که استرالیا ۱۱۰۰۰ نفر از جمعیت این کشور در حال غرق را در صورت فاجعه طبیعی مورد حمایت قرار دهد. در عین حال هر سال ۲۸۰ نفر از آنها می‌توانند با برخورداری از روایید خاص به استرالیا رفته، در آنجا زندگی کنند و به کار و تحصیل بپردازند و همچنین از یک کمک مالی نیز برخوردار شوند. حتی پیش‌بینی شده است که در صورت غرق شدن کامل سرزمین تووالو، اهالی آن کشور در منطقه‌ای واقع در ۵۰۰۰ کیلومتری غرب استرالیا اسکان داده شوند. مع‌هذا این موافقت‌نامه حاوی مقرره‌ای در مورد اعطای سرزمین از سوی استرالیا به تووالو نیست.

برای کشورهای در معرض خطر ایجاد کند. نهاد خاص سازمان ملل متحد در این مورد باید از اعضای منصوب کشورهای در حال انقراض حمایت کند تا آنان بتوانند تمامی مسائل مربوط به گذار دولت در حال انقراض به وضعیت جدید را حل کنند. برای مثال آنان می‌توانند مقرراتی در مورد تغییرات لازم در مناسبات میان نهادهای سیاسی و اقتصادی قبلی، تصویب قوانینی برای تداوم شهروندی و توزیع ثروت فیما بین مردم، حل اختلاف‌های ناشی از مالکیت و راه‌های مناسب برای جبران خسارات و سرانجام سازوکاری برای تعیین هر آنچه که به نفع دیاسپوراها (مردم کشورهای غرق شده و پناهنده به سرزمین‌های دیگر) وضع نمایند و آن تا زمانی است که این امور انجام شوند و هیئت حاکمه جدید برای دولت بدون سرزمین به وجود آید. سازمان ملل متحد در این وضعیت در واقع در قالب نوعی نظام قیمومت امور را هدایت می‌کند. پس از آن مسئله شناسایی و مشروعیت بین‌المللی «دولت بدون سرزمین» مطرح می‌شود که آن هم می‌تواند از طریق سازمان ملل متحد و در قالب سندی اعم از یک معاهده بین‌المللی یا یک قطعنامه الزام‌آور تحقق یافته، حاکمیت به «ملت سابقاً مستقر» انتقال یابد.

پذیرش چنین نظریه‌ای مستلزم:

- تغییر منشور ملل متحد است که باید علاوه بر اکثریت مورد نظر منشور، از سوی کلیه دولت‌های عضو دائم شورای امنیت نیز مورد قبول قرار گیرد. چرا که نظام قیمومت پیش‌بینی شده در منشور با آنچه که باید در مورد «دولت‌های بی‌سرزمین» ارائه و اجرا گردد، کاملاً متفاوت است.

- بر فرض حل مشکل فوق، آیا تأمین مالی چنین اقدامی برای سازمان ملل متحد، که در حال حاضر خود با مشکلات عدیده مالی دست به گریبان است، امکان‌پذیر است؟ به خصوص که اداره برخی از امور این نوع دولت‌ها مانند برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با سایر دولت‌ها می‌تواند دائمی باشد و این خود مستلزم صرف هزینه‌های زیادی خواهد بود که حداقل سازمان ملل متحد در حال حاضر قادر به تأمین آنها نیست. علاوه بر مشکلات مالی سازمان ملل، نباید از اختلاف نظر دولت‌ها و عدم همکاری آنها غافل بود.

بدیهی است در وضعیت فعلی روابط بین‌المللی چنین اقدام‌هایی اگر غیرممکن نباشند، قطعاً بسیار سخت خواهند بود. چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد که ساخت سرزمین مجازی در متاورس بتواند راه حل مناسبی باشد. رهبران کشورهای در معرض انقراض طبیعی مانند توالو خیال‌پردازی نکرده، نیک می‌دانند که حفظ حاکمیت و هویت فرهنگی و تاریخی کشورشان در دیگر کشورها



۱- برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع شود به Maxime Buckett "The Nation Ex-Situ", in Internet, Accessed September 3, 2024.

- The Nation Ex-Situ, Climate Change and Territorialized Nationhood and Post - Climat Era", published in *Climat Law 2* (2011) 345-374 DOI 10.3233/CL-2011-040, IOS press and 4 the authors. P.345-374

امکان پذیر نیست. بنابراین باید تلاش کنند تا دیر نشده و هنوز امکان تهیه زمین در فضای سه بعدی متاورس وجود دارد، مبادرت به خرید زمین و ایجاد سرزمین‌های دیجیتال کنند. سرزمین‌هایی که در آنها مردم این کشورها بتوانند گرد هم جمع شوند، گفتگو کنند، زندگی مشترک خود را چون گذشته با حفظ زبان و آداب و سنن خویش سازماندهی نمایند و بتوانند در آنها با تنظیم و تصویب قواعد حقوقی و هنجارهای لازم به شیوه دموکراتیک دولت خود و اقتدار سیاسی آن یعنی حکومت را حفظ کنند. آن‌ها می‌توانند با تهیه تصاویر و فیلم‌ها از واقعیت‌های فیزیکی قبلی خود بایگانی ساخته، آن‌ها را ثبت و ضبط نمایند و از این طریق هم هویت خود را حفظ کنند و هم آن را به نسل‌های آینده خویش منتقل کنند. البته که این راه حل بدون مشکل نخواهد بود. نظام حقوق بین‌الملل باید چالش‌های خود در این قلمرو را به گونه‌ای حل کند. اولاً باید حقوق بین‌الملل دیدگاه سنتی نپذیرفتن «دولت بدون سرزمین واقعی» را رها کرده، در کنار دولت‌های دارای سرزمین واقعی و عینی، وجود «دولت‌های با سرزمین مجازی» را نیز بپذیرد. ثانیاً این دولت‌ها بتوانند مورد شناسایی دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرند. ثالثاً باید دیدگاه سنتی حقوق بین‌الملل در مورد مناطق دریایی با تغییرات بنیادین مواجه شود. چون که در نگاه سنتی که مبتنی بر رویه قضایی بین‌المللی است، مناطق دریایی به تبع وجود قلمرو خشکی واقعی و عینی مورد شناسایی و پذیرش قرار می‌گیرند. حال اگر دولتی غرق شود و برای همیشه قلمرو خشکی خود را از دست بدهد، طبق نظر سنتی حقوق بین‌الملل کلیه مناطق دریایی آن نیز با داشتن منابع بعضاً بسیار غنی نیز از بین خواهند رفت و مردم این دولت از آن منابع محروم می‌شوند. این در حالی است که اغلب مردم دولت‌های در معرض غرق از طریق منابع دریایی امرار معاش می‌کنند. برای مثال کشور توالو با داشتن ۲۶ کیلومتر مربع قلمرو خشکی دارای مناطق دریایی بالغ بر ۹۰۰ هزار کیلومتر مربع است که منبع ثروت اصلی این کشور محسوب می‌شوند. حال اگر این کشور غرق شود چه خواهد شد؟ به فرض استقرار مردم این کشور در سرزمین کشور دیگر و ایجاد سرزمین مجازی چگونه آنها باید امرار معاش و داد و ستد کنند؟ به نظر می‌رسد که در این حالت جامعه بین‌المللی (برای مثال در چارچوب سازمان ملل متحد) باید راه‌حلی بیندیشد. بدین ترتیب که نهادی ایجاد و با بهره‌برداری از منابع دریایی این کشورها، درآمد ناشی از آن منابع را در اختیار مردم یا احیاناً دولت بی‌سرزمین شده قرار دهد تا بتوانند امورات خود را اداره کنند یا آنکه مأموریت جدیدی را برای مقام اعماق دریاها که توسط کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا ایجاد شده است، تعریف گردد و آن مقام به انجام چنین کاری مبادرت کند. در هر صورت عبارت «خشکی مسلط بر دریاست»<sup>۱</sup> یعنی آنکه مناطق دریایی به تبع قلمرو خشکی ایجاد و مورد قبول قرار می‌گیرند (عبارتی که ناشی از رویه قضایی است)، دیگر نباید در مورد دولت‌های بی‌سرزمین شده اجرا گردد، در غیر این صورت مردم آنها نه فقط سرزمین خشکی، بلکه کلیه قلمروهای دریایی خود و منابع

موجود در آنها را از دست می دهند و این به صراحت خلاف انصاف است. اما آیا چنین تغییراتی در نظام حقوقی بین‌الدولی ممکن است؟ بدون تردید این تغییرات حداقل با سختی زیادی رو به رو هستند، اگر نگوئیم غیرممکن‌اند.

آنچه تاکنون گفته شد در مورد آثار متاورس بر عناصر تشکیل دهنده دولت بود، حال باید آثار این پدیده را در دو قلمرو مهم از کنشگری دولت یعنی «مسئولیت بین‌المللی» و «امنیت ملی» مورد بررسی قرار داد.

### مبحث دوم: متاورس و اثر آن بر قلمروهای کنشگری دولت

دولت در عرصه‌های بسیار گسترده‌ای اعم از اعمال حاکمیتی<sup>۱</sup> و اعمال تصدی<sup>۲</sup> به کنشگری می‌پردازد و متاورس می‌تواند حداقل بر بسیاری از آنها اثرگذاری داشته، تسهیلات یا مشکلاتی را ایجاد کند. بدیهی است که در این نوشتار نمی‌توان به بررسی اثر متاورس بر کلیه این عرصه پرداخت. بنابراین به دو قلمرو مهم یعنی «مسئولیت بین‌المللی» و «امنیت ملی» و آثار متاورس بر آنها اشاره می‌شود.

#### الف: متاورس و مسئولیت بین‌المللی دولت

از آنجا که مسئولیت بین‌المللی ذاتی اصل برابری دولت‌هاست، حقوق بین‌الملل موضوعه در جهان واقعی مسئولیت هر دولت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی منتسب به آن را پذیرفته است.<sup>۳</sup> همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اعمال متخلفانه باید به دولت منتسب شود. حقوق بین‌الملل معیار «کنترل مؤثر»<sup>۴</sup> را برای انتساب اعمال متخلفانه بین‌المللی به دولت‌ها مورد پذیرش قرار داده است.<sup>۵</sup> مع‌هذا و به رغم تعیین این معیار، انتساب اعمال متخلفانه به دولت‌ها در جهان واقعی با



1- Jure imperi

2- Jure gestionis

۳- مسئولیت بین‌المللی دولت برای اعمال متخلفانه در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد پذیرفته شد و به ضمیمه قطعنامه A/۵۶/۸۳ / تحت عنوان «مسئولیت بین‌المللی دولت برای اعمال نامشروع (متخلفانه) بین‌المللی» ابلاغ گردید. برای مطالعه بیشتر در این خصوص برای مثال رجوع شود به -کرافورد جیمز، «حقوق مسئولیت بین‌المللی (قواعد عمومی)»، ترجمه ابراهیم گل‌علیرضا و دیگران، نشر سنگلج، تهران، ۱۳۹۵، ۹۶۱ صفحه.

-بیگ زاده ابراهیم، «حقوق بین‌الملل»، جلد دوم، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۲، صفحات ۱۲۵۱-۱۲۱۰  
البته امکان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت برای اعمال ممنوع نشده در حقوق بین‌الملل هم قابل طرح است. در این مورد برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

-طرح‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل

-بیگ زاده ابراهیم، همان، صفحات ۱۲۵۴-۱۲۵۱

4- Effective control, controle effectif

۵- اگرچه در قلمرو مسئولیت بین‌المللی کیفری فردی معیار «کنترل کلی» Overall Control مطرح گردید (رجوع شود به قضیه تادیچ در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق)، اما در رویه قضایی بین‌المللی به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری و در حقوق موضوعه بین‌المللی همچنان معیار «کنترل مؤثر» حتی در قلمرو کیفری برای انتساب پذیرفته شده

مشکلات متعددی رو به روست. بدیهی است انتساب اعمال متخلفانه در متاورس یعنی در جهان واقعیت مجازی به مراتب با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود. دلیل آن هم این است که انتساب اعمال متخلفانه به دولت در متاورس که دارای ماهیتی فراملی است و همگان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و حتی ربات‌ها از هر کجای این جهان واقعی به آن دسترسی دارند و می‌توانند اعمال متخلفانه‌ای را بر علیه دولت‌ها انجام دهند، کاری بس مشکل و چه بسا در اغلب اوقات غیرممکن باشد.

مسئله مسئولیت بین‌المللی دولت در متاورس زمانی پیچیده‌تر می‌شود که قربانی اعمال متخلفانه شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی باشد. در این حالت اگر مقررات حقوق بین‌الملل فعلی لازم‌الاجرا در جهان واقعی بخواهند اعمال شوند، باید زیان دیده مورد «حمایت سیاسی» قرار گیرد. برای این امر تحقق سه شرط یعنی وجود «علقه تابعیت» میان قربانی و دولت حامی، «بی‌نتیجه ماندن رجوع به کلیه مراجع ذی صلاح داخلی دولت متهم» و «پاکدستی قربانی» ضروری است.<sup>۱</sup> اگرچه ممکن است تحقق شروط اول و سوم چندان مشکل نباشد، اما تحقق شرط دوم یعنی «رجوع به مراجع ذی صلاح داخلی» تقریباً غیرممکن می‌نماید، چون که مسئله پیچیده صلاحیت دولت مطرح می‌شود که در قبل به آن اشاره شد و اینکه به مراجع کدام دولت باید رجوع شود. در هر صورت به نظر نمی‌رسد بتوان مسئله مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در متاورس را به سهولت با قواعد حقوق بین‌الملل جاری در جهان واقعی حل کرد. همان‌گونه که ملاحظه شد، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در متاورس توأم با مشکلات جدی است. این مشکلات و حتی آثار سوء متاورس در قلمرو دیگری که حتی با حیات و هستی دولت ارتباط دارد یعنی «امنیت ملی» نیز قابل مشاهده است.

ب: متاورس و امنیت ملی دولت:

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



۱۷

مسئله «امنیت ملی» به طور خاص پس از جنگ دوم جهانی و با تصویب «قانون امنیت ملی» از سوی آمریکا در روابط بین‌المللی مطرح شد. مسائلی همچون تهاجم نظامی، تسلیحات، خلع سلاح، تشکیل اتحادیه‌های نظامی<sup>۲</sup> و... از موضوع‌های اصلی امنیت ملی محسوب می‌شدند و هنوز هم مطرح هستند. این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که دولت‌ها در معاهدات دو یا چند جانبه خود حتی در مورد مودت حاضر به پذیرش حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی یکدیگر در

است. در این مورد برای مثال رجوع شود به ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تعریف جنایت تجاوز. در این مقرر به صراحت «کنترل مؤثر» مورد قبول قرار گرفته است.

۱- اگرچه پاکدستی (Clean hands) قربانی در دکتترین و در دعاوی بین‌المللی از سوی دولت‌ها مطرح شده است، اما رویه قضایی چندان اهمیتی برای آن قائل نیست. برای مثال رجوع شود به دو دعوای ایران علیه آمریکا در قضایای «سکوهاى نفتی» و «برخی اموال ایران» که دیوان بین‌المللی دادگستری توجهی به ادعای آمریکا دائر بر فقدان پاکدستی ایران نکرد.

2-Cai Congyan, "Enforcing a New National Security - China's National Security Law and International Law", in Journal of East Asia and International Law, N64,2017, P 67-68

صورت به خطر افتادن امنیت ملی خود نیستند<sup>۱</sup>. رویه بین‌المللی بر آن است که تأمین «امنیت ملی» در زمره وظایف هر دولت است. در نگاه سنتی امنیت ملی می‌تواند با کاربرد زور و دخالت در امور داخلی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم به خطر افتد. به همین دلیل هم «ممنوعیت استفاده یا تهدید به استفاده از زور بر ضد تمامت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها» و «عدم مداخله در امور داخلی» به عنوان اصول حقوق بین‌الملل در منشور سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته‌اند (بندهای ۴ و ۷ ماده ۲). با ظهور فضای مجازی و شروع حمله‌های سایبری با تفسیر نسبتاً وسیع تلاش گردید که «ممنوعیت توسل به زور» به این فضا نیز تسری یابد و در صورت استفاده از این فضا برای حمله به دولتی، آن دولت بتواند از استثناهای وارد بر منع توسل به زور به شکل مندرج در منشور از جمله دفاع مشروع بهره‌مند گردد. حتی برخی از کشورها بر دفاع مشروع پیش‌دستانه در این فضا پافشاری می‌کنند<sup>۲</sup>. مع‌هذا تحولات پی در پی فضای مجازی و دستیابی به متاورس که در آن اشخاص خود می‌توانند از طریق آواتارهایشان به کنشگری بپردازند، تعیین دقیق حدود و مفهوم «حمله» و مرتکب آن را نیز با مشکل و چالشی جدی مواجه کرده است. در حال حاضر «حمله» معنا و مفهوم و گستره وسیع‌تری یافته، فقط محدود به عملیات فیزیکی نمی‌شود، بلکه می‌تواند شامل ارائه اطلاعات نادرست، دسترسی به اطلاعات حساس و سری و حتی فوق سری دولت‌ها، برپا کردن کمپین‌هایی برای به‌کارگیری افراد در جهت اهداف افراطی و تروریستی، ایجاد بی‌ثباتی و آشفتگی اقتصادی از طریق رخنه در بازارهای مالی و پولی، جعل و تقلب فرمان‌ها و دست‌نوشته‌ها و امضاهای مقامات دولت‌ها .... نیز گردد. به میزانی هم که متاورس پیشرفت می‌کند، خطرها برای «امنیت ملی» دولت‌ها افزایش می‌یابند. این وضعیت نشان می‌دهد که دیگر با نگاه سنتی و مقررات حاکم بر جهان واقعی حتی با استفاده از تفاسیر موسع نمی‌توان «امنیت ملی» را حفظ نمود.

بدین ترتیب متاورس چالشی جدی فراروی دولت‌ها برای رصد کردن و از میان برداشتن تهدیدها بر ضد امنیت ملی خود ایجاد کرده است. حال این سؤال مطرح است که آیا باید حفظ امنیت ملی در متاورس را در حصار و انحصار دولت‌ها نگاه داشت؟ به نظر نمی‌رسد پاسخ مثبت باشد. نظر به وجود کنشگران متعدد در متاورس، از کاربران حقیقی و حقوقی گرفته تا ساختارها و نهادهای داخلی و بین‌المللی همگی باید در تعامل با دولت‌ها بتوانند به حفظ «امنیت ملی» کمک کنند. آیا

۱- برای مثال در این مورد رجوع به ماده ۲۰ «معاهده سال ۱۹۵۵ مودت و بازرگانی و حقوق کنسولی» منعقد شده میان ایران و آمریکا که طبق آن طرفین اعلام کرده‌اند که حاضر به اجرای مفاد معاهده در صورت به خطر افتادن امنیت ملی خود، نیستند. آمریکا در دعاوی ایران علیه آن کشور براساس همین معاهده، به کرات به ماده ۲۰ آن اشاره نموده است. البته باید پذیرفت که احدی از طرفین یک طرفه نمی‌تواند مدعی تعارض اجرای معاهده با امنیت ملی خود شود. این نکته از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی مورد توجه قرار گرفته است.

۲- در این مورد رجوع شود به مذاکرات تدوین دستورالعمل تالین ۱، که آمریکا به شدت از دفاع مشروع پیش‌دستانه حمایت می‌کرد.



ساختار بین‌الدولی حقوق بین‌الملل واقعاً چنین امکانی را می‌دهد؟ به دیگر سخن، آیا برای عبور از این چالش قواعد فعلی حقوق بین‌الملل کفایت می‌کند، یا آنکه حفظ امنیت ملی مستلزم ایجاد چارچوب و تصویب قواعد جدیدی است و باید طرحی نو در انداخته شود؟<sup>۱</sup> علاوه بر این مجموعه از آثار متاورس بر کنشگر و استفالیایی یعنی دولت، باید آثار این جهان واقعیت مجازی در قلمروهای انسانی یعنی حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و مالکیت فکری بررسی شوند.

### بخش دوم: متاورس و تأثیر آن بر قلمروهای خاص انسانی

تأثیر متاورس بر قلمروهایی که به طور مستقیم با انسان در ارتباط هستند، در سه محور مهم قابل مطالعه‌اند. آن‌ها شامل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و حقوق مالکیت فکری می‌شوند که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### مبحث اول: متاورس و حقوق بشر

جامعه بین‌المللی در پی تراژدی‌های انسانی در جریان دو جنگ جهانی، تصمیم به حمایت از حق‌های بشری فارغ از هرگونه وابستگی ملی، نژادی، مذهبی، قومی، زبانی و جنسیتی انسان گرفت. این حرکت با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ آغاز گردید<sup>۲</sup> و هر روز چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی گسترش یافت<sup>۳</sup>. به طوری که امروز می‌توان گفت حقوق بشر نسبت به سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل هم به لحاظ محتوا و گستره و هم به لحاظ سازوکارهای نظارتی و قضایی بیشترین پیشرفت را داشته است. اغلب قواعد این بخش از حقوق بین‌الملل ویژگی عرفی و حتی آمره یافته، برای کلیه دولت‌ها لازم‌الاتباع هستند. رعایت اجرای حق‌های بشری در جهان واقعی با مشکلات و معضلاتی که اغلب از سوی دولت‌ها ایجاد می‌شوند، مواجه است. این مشکلات در زمانی که رعایت این حق‌ها در متاورس مطرح می‌شود به مراتب رو به فزونی می‌گذرند. اگرچه متاورس این امکان را به کاربران می‌دهد که بعضی از حق‌های بشری همچون تشکیل اجتماعات، برپایی تظاهرات..... را در کشورهای اقتدارگرا به اجرا بگذارند، ولی در عین حال ورود به این جهان واقعیت مجازی سبب می‌شود که کاربران اعم از حقیقی و حقوقی بتوانند به اطلاعات شخصی

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



۱- برای مطالعه بیشتر در مورد متاورس و اثر آن بر امنیت ملی برای مثال رجوع شود به

Rich Lisa A, "New Technology and Old Law: Rethinking National Security", in Texas A and M Law Review, 2015, 2(4).

۲- البته توجه به حق‌های بشری با بروز انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی سده هیجدهم همچون انقلاب آمریکا و اعلامیه استقلال آن کشور در سال ۱۷۷۶ و به خصوص انقلاب فرانسه و صدور اعلامیه «حقوق بشر و شهروند» در سال ۱۷۸۹ نهفته است.

۳- البته باید گفت مبانی فعلی حقوق بشر در مواد ۱، ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد قرار دارند.

افراد دسترسی پیدا کنند. این اطلاعات می‌توانند یافته‌هایی در مورد محیط واقعی کاربر، اطلاعات خانوادگی و حتی اطلاعات بیومتریک او از جمله ضربان قلب، شریان رگ‌ها، تغییرات عدسی چشم، تغییرات تنفسی را نیز شامل شوند. در یک کلام دسترسی به حریم خصوصی کاربر کاملاً امکان‌پذیر می‌شود. این اطلاعات به سهولت می‌توانند مورد سوءاستفاده و حتی با فروش در اختیار دیگران قرار گیرند. در اختیار داشتن اطلاعات شخصی افراد امکان اعمال انواع فشارهای روحی مجازی<sup>۱</sup> بر آنان و حتی شانناژ<sup>۲</sup> از آنان را به راحتی ممکن می‌کند. متاورس می‌تواند موجب گردد که برخی از کاربران (علی‌الاصول ناشناس) بتوانند با اجرای برخی از حق‌های بنیادین بشری همچون آزادی بیان، آزادی ابراز عقیده، آزادی دسترسی و ارائه اطلاعات، با ارائه اطلاعات مخدوش و گمراه‌کننده و حتی نفرت‌پراکنی از طریق ارائه نظراتی مبتنی بر برتری نژادی، مذهبی، قومی و .... موجب بروز تنش‌ها و در مواردی درگیری‌های مسلحانه و کشتار در جوامع گردند.<sup>۳</sup> این واقعیت مجازی همچنین می‌تواند به آسانی برای تعرض به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلال در حفظ میراث فرهنگی، و داشتن افراد به ارتکاب اعمال غیراخلاقی و .... مورد سوءاستفاده قرار گیرد. اگرچه امکان محدود کردن احتمالی متاورس می‌تواند قابل تصور باشد، اما محدود کردن این فضا خود ناقض حقوق بشر کاربران نیز می‌گردد. پس چگونه می‌توان به یک حکمرانی متعادل میان استفاده از متاورس از یک سو و رعایت و احترام به حق‌های بشری افراد در این دنیای واقعیت مجازی از سوی دیگر دست یافت؟ حکمرانی‌ای که به نظر می‌رسد باید با قواعد موجود حقوق بشری و سازوکارهای حمایت و صیانت از آنها در جهان واقعی ممکن گردد. مع‌هذا واقعیت نشان می‌دهد به میزانی که متاورس پیشرفت می‌کند، حکمرانی در جهت صیانت از حریم خصوصی افراد و حفظ حقوق بنیادین آنان و در عین حال تضمین استفاده از واقعیت مجازی (متاورس) سخت‌تر می‌گردد. عدم دستیابی به چنین حکمرانی‌ای قطعاً عدم ثبات سیاسی و اجتماعی و تجاوز به اصول دموکراتیک را در پی خواهد داشت. این سختی زمانی بیشتر می‌شود که مخاصمات مسلحانه در جریان باشد که خود مستلزم اجرای قواعد خاص حاکم بر درگیری‌های مسلحانه است.



1- Virtual harassment یا Harcelement virtuel یا Cyberharcelement

۲- این شانناژ می‌تواند به اشکال مختلف تجلی یابد از آن جمله می‌توان به جلوگیری از بیان حقیقت در مورد یک واقعه، جلوگیری از ادای شهادت، اخاذی مالی، تعرض‌های جنسیتی، واداشتن به کارهای مستهجن و غیراخلاقی و حتی اعمال تروریستی اشاره نمود.

۳- نفرت‌پراکنی به ویژه براساس نژاد و مذهب فجایع انسانی زیادی در عصر حاضر به وجود آورده است. فاجعه نسل‌کشی در رواتندا به طور عمده با ایجاد تنفر نژادی هتوها از توتسی‌ها رخ داد. نسل‌کشی روهینگایهای مسلمان در میانمار عمدتاً نتیجه ایجاد تنفر مذهبی بود. متأسفانه باید اذعان کرد که فضای مجازی و از جمله جهان واقعیت مجازی (متاورس) امروزه وسیله ایده‌آلی برای ایجاد تنفرهای مختلف از جمله تنفر مذهبی (مانند اسلام‌هراسی) و تنفر از مهاجران مورد استفاده وسیع قرار می‌گیرد.

## مبحث دوم: مناورس و حقوق بشردوستانه

گذار از «حق بر جنگ»<sup>۱</sup> به «حق در جنگ»<sup>۲</sup> منجر به شکل گیری یک نظام حقوقی خاص<sup>۳</sup> تحت عنوان «حقوق بشردوستانه»<sup>۴</sup> شده است که در وضعیت خاص ناشی از مخاصمات مسلحانه اعم از داخلی و بین المللی لازم الاجراست. این نظام حقوقی که بر سه محور «حمایت» و «کمک» و «احترام» استوار است، هدفش کاهش درد و رنج انسان ها و به حداقل رساندن و در صورت امکان پیشگیری از تلفات انسانی در مخاصمات مسلحانه است. این نظام حقوقی از چنان اهمیتی برخوردار است که نقض قواعد آن جنایت جنگی محسوب شده، مرتکبان چنین نقضی به عنوان جنایتکار جنگی تحت پیگرد کیفری قرار می گیرند<sup>۵</sup>. اگرچه وجود چنین ضمانت اجرایی نتوانسته مانع از نقض قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه در جهان واقعی گردد که نمونه آن در حال حاضر در جنگ روسیه علیه اوکراین و رژیم خونخوار اسرائیل علیه فلسطینیان در سرزمین های اشغالی فلسطین به ویژه در غزه به خصوص از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ مشاهده می شود، مع هذا دولت ها و افراد حقیقی انسان دوست و نهادهای بین المللی اعم از بین الدولی و غیردولتی به این نقض ها اعتراض و از طرفین درگیر می خواهند که آن قواعد را رعایت کنند. حال اگر در مخاصمات مسلحانه اعم از بین المللی و غیر بین المللی از مناورس استفاده شود و آواتارها به دستور کاربران خود یا با سرپیچی از دستور آنها، مرتکب نقض این قواعد شوند، برای مثال مبادرت به حمله به اماکن خطرناک مانند راکتورهای اتمی و سد ها کنند و یا مردم غیر نظامی و نظامیان تسلیم شده را مورد تهاجم و شکنجه و کشتار قرار دهند و یا حقوق مردم غیر نظامی در سرزمین های اشغالی را نقض نمایند، چگونه می توان مرتکب یا مرتکبان آن جنایت ها را شناسایی و محاکمه و مجازات نمود؟ این سؤال در حالی مطرح می شود که محاکمه و مجازات ناقضان این نظام حقوقی در جهان واقعی با مشکلات جدی مواجه هستند، به طوری که عملاً غیرممکن شده اند. نمونه های بارز آن را می توان در مورد سران جنگ داخلی در سودان، رؤسای رژیم اشغالگر اسرائیل در خصوص جنایت های ارتكابی در غزه و یا سران کشورهای روسیه و اوکراین در جنگ با یکدیگر مشاهده نمود. علی رغم اعلام اسامی متهمان اسرائیلی و روسی از سوی دادستان دیوان بین المللی کیفری، آنان همچنان به ارتكاب جنایت های خود ادامه می دهند و حتی برخی از آنان مورد تشویق و کمک هم قرار می گیرند<sup>۶</sup>. تداوم جنایت های جنگی که ناشی از نقض های قواعد

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



1- Jus ad bellum

2- Jus in bello

3- Lex Specialis

۴- Humanitarian Law or Droit Humanitaire قواعد این نظام حقوقی به طور عمده در چهار کنوانسیون سال ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل سال ۱۹۷۷ ژنو پیش بینی شده اند.

۵- برای مثال رجوع شود به ماده ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری که در پنجاه بند تنظیم شده است، که ۳۴ بند در خصوص نقض قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین المللی و ۱۶ بند در مورد نقض قواعد این نظم حقوقی در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی هستند.

۶- در این مورد می توان به سفر بنیامین نتانیاهو به آمریکا و سخنرانی او در کنگره آن کشور و تشویق چندین مرتبه (هفتاد

بشردوستانه در جهان واقعی است، جهانی که در آن حتی سازوکارهای کیفی مهمی همچون دیوان بین‌المللی کیفری برای برخورد با چنین نقض‌هایی پیش‌بینی شده‌اند، نشان می‌دهد که نقض‌های قواعد بشردوستانه در متاورس به احتمال قریب به یقین قابلیت پیشگیری نداشته، پیگرد ناقضان آن قواعد هم غیرممکن می‌نماید. البته ممکن است کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تلاش کند که با ارائه تفاسیری از قواعد بشردوستانه لازم‌الاجرا در جهان واقعی، آن‌ها را در متاورس هم جاری بدارد، اما با توجه به ماهیت سیال و فراملی متاورس و تعدد کاربران آن که می‌توانند میلیون‌ها بلکه میلیاردها نفر به صورت پراکنده در سراسر جهان باشند، به نظر نمی‌رسد چنین تلاشی به ثمر بنشیند. در حال حاضر اجرای این نظام حقوقی حتی در حملات سایبری محل بحث و مناقشه میان دولت‌هاست و برخی از آنها از جمله روسیه برآنند که مقررات فعلی قابلیت اعمال در حملات سایبری را ندارند. این مناقشه در مورد متاورس به طریق اولی با شدت بیشتری مطرح می‌شود. تسری مقررات بشردوستانه به متاورس به قدری دشوار است که دولت‌ها در تدوین دستورالعمل‌های تالین ۱ و ۲ در مورد حملات سایبری<sup>۱</sup> و حتی در پیش‌نویس «کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرائم سایبری» که در نیویورک و وین موضوع مذاکره قرار گرفته است و ممکن است در هفتاد و نهمین اجلاس مجمع عمومی در سال ۲۰۲۴ مورد تصمصیم‌گیری شود، از توجه به آن امتناع نموده‌اند.<sup>۲</sup>

### مبحث سوم: متاورس و حقوق مالکیت فکری

اگرچه حمایت و حفاظت از حقوق مالکیت فکری از قرن نوزدهم با انعقاد معاهده پاریس در سال ۱۸۸۳ در مورد حفاظت از حقوق مالکیت صنعتی و معاهده برن در سال ۱۸۸۶ در مورد حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری (کپی‌رایت) مورد توجه قرار گرفته است، ولی با تشکیل سازمان جهانی



مرتبه به گفته رسانه‌ها) نمایندگان و سناتورهای آمریکایی اشاره کرد. همچنین می‌توان به سفر ولادیمیر پوتین به مغولستان در اواخر ماه اوت ۲۰۲۴ اشاره کرد که مورد استقبال مقامات این کشور قرار گرفت، در حالی که مغولستان از دولت‌های عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است. این وضعیت از قبل هم وجود داشت، که نمونه آن سفرهای رسمی عمر البشیر رئیس‌جمهور سابق سودان به کشورهای مختلف بود، در حالی که در همان زمان به اتهام نسل‌کشی و جنایت‌های جنگی و جنایت‌های بر ضد بشریت از سوی دیوان بین‌المللی کیفری تحت پیگرد قرار داشت.

۱- دستورالعمل تالین ۱ حاوی قواعد قابل اعمال در برخی از حملات مسلحانه سایبری است. در حالی که دستورالعمل تالین ۲ بسیار گسترده شده، به حیطه‌های دیگر از جمله حملات سایبری به حقوق دیپلماتیک و کنسولی، حقوق دریا، حقوق هوا، حقوق فضا، حقوق ارتباطات بین‌المللی و .... پرداخته است.

۲- ابتکار تدوین چنین سندی در واقع با روسیه برای مقابله و مخالفت با کنوانسیون بوداپست بود. این سند در ابتدا تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای مقاصد مجرمانه» مطرح شد و قرار بود تا سال ۲۰۲۱ نهایی شود که به علت شیوع پاندمی کووید ۱۹ طول کشید و ظاهراً آخرین مذاکرات در ماه جولای سال ۲۰۲۴ خاتمه یافته، مقرر شده است که در هفتاد و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۴ در مورد آن تصمصیم‌گیری شود.

مالکیت فکری (وایپو)<sup>۱</sup> و انعقاد معاهده مؤسس آن در سال ۱۹۶۷ است که از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. این حقوق امروز از چنان جایگاهی برخوردار است که در زمره یکی از حق‌های بشری قرار گرفته است.<sup>۲</sup> حمایت و صیانت از حقوق خالقان آثار چه در قلمرو صنعتی و چه در عرصه‌های ادبی و هنری از وظایف دولت‌هاست. دولت‌ها تلاش می‌کنند تا این وظیفه را در قالب تصویب مقررات داخلی از یک سو و پیوستن به معاهدات بین‌المللی و وایپو از سوی دیگر، در جهان واقعی انجام دهند. انجام این وظیفه در اغلب موارد به دلیل جعل یا تقلب مارک‌ها و طرح‌ها و ساخت کالاها و محصولات و فرآورده‌ها و..... تقلبی یا بدون مجوز بسیار سخت و در مواردی حتی غیرممکن شده است. بدیهی است که انجام این وظیفه در متاورس با پیچیدگی و سختی بیشتری همراه می‌شود. صیانت از حقوق مالکیت فکری در متاورس به طور عمده شامل حمایت از اموال مجازی<sup>۳</sup> و تجارت آن اموال می‌شود. حال اگر حقوق مالکیت فکری صاحبان اصلی این اموال به ویژه زمانی که این اموال متعلق به فرد خاصی نباشند و جنبه بین‌المللی داشته باشند مانند اموال سازمان‌های بین‌المللی جهانی یا منطقه‌ای، مورد تعرض قرار گیرند، صاحبان آن اموال چه اقدامی می‌توانند انجام دهند؟ این وضعیت در مواردی که اموال و کالاهای جعلی و تقلبی با یک برند معروف عرضه و به قیمت‌های بسیار گزافی به فروش می‌رسند، پیچیده‌تر می‌شود. تحقیقات هم نشان داده است که با استفاده از اطلاعات و یافته‌های اشخاص و اموال می‌توان کپی‌ها و تصاویر سه بعدی از آنها تهیه و در متاورس عرضه نمود. به دیگر سخن، امکان ساخت اموال و کالاها و مارک‌ها و طرح‌های جعلی و تقلبی یا بدون مجوز به آسانی امکان‌پذیر شده است و تشخیص آنها هم کار چندان ساده‌ای نیست. به خصوص آنکه این تجارت و معاملات در متاورس بین آواتارهای کاربران انجام می‌شود. اگرچه اغلب این معاملات با انعقاد قرارداد صورت می‌پذیرند، اما در صورت نقض حقوق مالکیت فکری و

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره ۵



۱- World Intellectual Property Organization (WIPO), Organisation Mondiale de la propriété Intellectuelle (OMPI) مقر

وایپو در شهر ژنو (کشور سوئیس) قرار دارد.

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به گونه‌ای به حق ناشی از خلاقیت‌های هنری و علمی به عنوان یکی از حق‌های بشری اشاره کرده است (ماده ۲۷).

۳- خرید و فروش یا تجارت اموال مجازی (Trading in Metavers) می‌تواند در مورد اموال مجازی از جمله موضوع بازی‌های دیجیتال، شخصیت‌های دیجیتال، زمین‌های مجازی و سایر اموال انجام شود. این تجارت در مورد اموال واقعی هم می‌تواند انجام شود. بدین ترتیب که شرکت‌ها و تولیدکنندگان کالاها و محصولات می‌توانند فرآورده‌های خود را به صورت مجازی در متاورس ارائه و در صورت انجام معامله آنها را به صورت واقعی تحویل مشتریان کنند. بدین ترتیب متاورس عرصه و فرصت‌هایی را ایجاد کرده است که اشخاص حقیقی و حقوقی بتوانند با سازماندهی و برگزاری رخدادهایی در آن و با ایجاد بوتیک‌ها و مغازه‌ها، کالاها و محصولات خود را به خریداران آنها عرضه نمایند. در این مورد برای مثال می‌توان به برگزاری Fashion Week در متاورس Decentraland اشاره نمود که ابتدا برای عرضه محصولات دیجیتالی برگزار و سپس آن محصولات به صورت واقعی در متاورس به فروش رسیدند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

“Proteger efficacement ses droits de propriété intellectuelle dans le Metavers”, Date de référence 20 Aout 2024.

لزوم رجوع به قرارداد، ممکن است مشکل پیش آید، چون که قرارداد منعقدۀ دیجیتال بوده، ممکن است رد یا اثری از آن باقی نمانده باشد. در این صورت چگونه می‌توان از یک نظم حقوقی در جهان واقعی انتظار اقدامی مؤثر برای حفظ حقوق مالکیت فکری در جهان واقعیت مجازی داشت؟ با توجه به اینکه حمایت از حقوق مالکیت فکری منوط به ثبت آن در سرزمین دولت یا نزد یک سازمان بین‌المللی است، چگونه می‌توان حقوق مالکیت فکری در فضای واقعیت مجازی را صیانت نمود، فضایی که ممکن است ثبت کالاها یا محصولات که باید مورد حمایت قرار گیرند، بسیار سخت و علی‌الاصول باید در کلاس مناسب کالاها یا محصولات یا خدمات ثبت شوند، که کاری بس مشکل و پیچیده است. اگرچه در مواردی و بخش‌هایی از جهان این ثبت آن هم در مورد برخی کالاها ممکن شده است،<sup>۲</sup> اما نباید فراموش کرد که این‌گونه ثبت‌ها، مانع نقض حقوق مالکیت فکری به طور کامل نشده است.<sup>۳</sup> آیا امکان قیاس متاورس با جهان واقعی و اجرای مقررات مرتبط با حفظ حقوق مالکیت فکری در آن (متاورس) ممکن است؟ همان‌طور که قبلاً هم مشاهده شد، با توجه به ماهیت فراملی متاورس عملاً چنین قیاسی غیرممکن خواهد بود. به دیگر سخن، حتی مقررات موجود چه در سطح ملی<sup>۴</sup> و چه در سطح بین‌المللی<sup>۵</sup> در مورد حفظ حقوق مالکیت فکری توان صیانت و حفاظت از آن حقوق در متاورس را ندارند. تلاش واپس‌رو هم در هفتمین اجلاس خود تحت عنوان «مالکیت فکری و



۱- معمولاً ثبت کالاها و خدمات در کلاس‌های مختلف به ترتیب زیر انجام می‌شود:

- کلاس ۹ برای محصولات مرتبط با NFT

- کلاس ۳۵ برای خدمات خرده‌فروشی محصولات مجازی

- کلاس ۴۱ برای بازی‌های مجازی (بازی‌هایی که بین چند نفر می‌تواند انجام شوند).

۲- در اروپا ثبت کالاها مارک دار حاوی متاورس در «دفتر مالکیت فکری اتحادیه اروپا» (EUIPO) انجام می‌گردد. این ثبت بیشتر شامل محصولات کلاس ۹ می‌شود.

۳- نمونه آن دعوی بود که مارک هرمس (Hermes) علیه یک هنرمند دیجیتالی به خاطر تولید و فروش مجموعه کیف‌های دستی مجازی گواهی شده با NFT و گسترش آن بدون کسب مجوز از سازنده معروف و واقعی کیف دستی Birkin اقامه نمود. نوع دعوی در مورد محصولات مجازی گواهی شده با NFT حائز اهمیت است، چون که صحبت از میلیون‌ها دلار در میان است. برای مثال جک دوری (Jack Dorsey) بنیان‌گذار توییتر توییست گواهی شده با NFT را نزدیک به سه میلیون دلار به فروش رساند.

۴- برای مثال می‌توان به مقررات داخلی آمریکا و کانادا اشاره نمود. در آمریکا مقررات خاصی برای متاورس وجود ندارد. همان قوانین مربوط به حمایت از حریم خصوصی و مالکیت فکری و همچنین مقررات مربوط به فعالیت شرکت‌ها در اینترنت در متاورس هم اعمال می‌شوند. بدین ترتیب Digital Millennium Copyright ACT در متاورس هم اجرا می‌گردد. این قانون اجازه می‌دهد که ارائه‌کنندگان اموال در اینترنت خود را در مقابل ادعاها و دعاوی مرتبط با نقض حقوق دارندگان یا صاحبان آن اموال در مورد محتوای ارائه شده از سوی کاربران آنها در سکوهایشان (پلتفرم‌هایشان) بیمه کنند. کانادا نیز فاقد قانون خاص متاورس است، مع‌ذک قوانین مرتبط با هوش مصنوعی ممکن است بتوانند در متاورس نیز اجرا شوند.

۵- در سطح بین‌المللی می‌توان به برخی از اسناد موجود از جمله پروتکل مادرید برای حفاظت از آرم‌ها و ترتیبات (arrangement) لاهه در مورد طرح‌ها و مدل‌ها اشاره نمود.

متاورس» حتی برای ترسیم یک «نقشه راه» برای مقابله با نقض حقوق مالکیت فکری در کنار تضمین نوآوری مستمر در فضای مجازی نیز نتیجه ملموسی دربرداشت.<sup>۱</sup> به دیگر سخن، صیانت و حفاظت از حقوق مالکیت فکری با قوانین داخلی و مقررات بین المللی موجود در دنیای واقعی، در متاورس امکان پذیر نیست. اگرچه برخی برای سهولت در کار نظری مخالف ارائه می کنند.<sup>۲</sup> بنابراین آن سؤال سخت «چه باید کرد؟» همچنان در این قلمرو هم مطرح است.

### فرجام سخن: متاورس جهان بی قانون؟

نگاهی اجمالی به آثار متاورس در قلمروهای مختلف و عدم امکان حل مشکلات ناشی از این آثار با بهره گیری از قواعد حقوق بین الملل حاکم بر جهان واقعی، انسان را با سؤال «تنظیم کردن یا تنظیم نکردن: مسئله این است» متاورس مواجه می کند. آیا به نظم کشیدن متاورس (جهان واقعیت مجازی) با مقررات حقوق بین الملل را باید رها نمود تا فن آوران هر روز با نوآوری خود در این محیط، معضلات بیشتری را فراروی بشر ایجاد کنند؟ یا برعکس باید به نظم کشیدن آن را پیشه خود قرار دهد؟ پاسخ به سؤال اول منفی می نماید، حداقل تا زمانی که رهیافت کنونی از جهان فعلی در ذهن بشر وجود دارد و می خواهد آن جهان و هر آنچه را که در آن یافت می شود با توجه به ارزش های آن، با نظام حقوقی بین المللی و سازوکارهای موجود سازماندهی کند. با این نگاه پاسخ به سؤال دوم به نظر مثبت می رسد. مع هذا مشکل آن است که چگونه می توان با توجه به ماهیت متاورس آن را به نظم کشید؟ آیا صرف کنش حتی هم سوی کنشگران و استفایا مشکل را حل می کند؟ واقعیت نشان می دهد عملکرد آنها چه به صورت فردی (در نظم داخلی خود) و چه در سطح بین المللی (در چارچوب حقوق بین الملل بین الدولی) نتوانسته و نخواهد توانست مشکلات ناشی از واقعیت مجازی

دو فصلنامه  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره پنجم، شماره دهم



۱- در هفتمین اجلاس وایپو در خصوص حفظ حقوق مالکیت فکری در متاورس بیش از ۳۷۰۰ فرد و نهاد از ۱۴۴ کشور ثبت نام کرده بودند.

۲- برای ملاحظه نظر مخالف برای مثال رجوع شود به

Berendes Pierre, "Regarder vers l'avenir - Les actifs de propriété intellectuelle et les Metavers", in Metaverse Tribune, 15 Juin 2024h, Date de reference le 20 Aout 2024

البته آراء محاکم داخلی برخی کشورها نیز با یکسان قلمداد کردن اموال مجازی با اموال واقعی، کسانی را که مبادرت به دزدی اموال مجازی نموده اند، طبق مقررات مربوط به دزدی اموال واقعی قابل محاکمه و مجازات دانسته است. در این مورد می توان به رأی دیوان عالی کشور هلند اشاره نمود. با توجه به افزایش دزدی اموال مجازی از ۲۰۱۲ در هلند، دیوان عالی این کشور اعلام نمود که دزدی اموال مجازی قابلیت انطباق با دزدی به شکل پیش بینی شده در قانون جزای هلند را دارد و بنابراین سارقان این اموال (اموال مجازی) را به عنوان دزدان اموال واقعی محکوم نمود. رجوع شود به

Bettach Sacha, «Infraction dans le Metavers: un terrain de jeu virtuel pour des delinquants bien reels», Date de refrence le 20 Aout 2024

این نگاه مبتنی بر این مبناست که آواتارها در صورت ارتکاب جرمی از جمله سرقت در واقع ادامه دهنده شخصیت کاربران خود هستند. آیا این نگاه با قائل شدن شخصیت حقوقی مستقل برای آواتارها با مشکل مواجه نمی شود؟

را حل کند. به این دلیل که ما با جهانی مواجهیم که به لحاظ ماهیت، کنشگران و محاسن و مضار آن کاملاً با جهان واقعی و فیزیکی متفاوت است. بدیهی است که اگر بخواهد قواعدی بین‌المللی در متاورس منعقد و اجرا شوند، نمی‌توان از فنون فعلی ساخت قواعد در حقوق بین‌الملل همچون معاهدات، عرف و ... که جملگی حاصل عملکرد دولت‌هاست، بهره جست. چون که مجری این قواعد در متاورس فقط دولت‌ها نیستند، بلکه کنشگران دیگری از جمله کاربران حقیقی و حقوقی هستند و تازه این در فرضی است که کنشگرانی همچون ربات‌های «مستقل» در متاورس نادیده انگاشته شوند. در فرضی هم که بتوان مقرراتی را با مشارکت مستقیم کلیه کنشگران که نحوه مشارکت آنها خود معضل بسیار پیچیده‌ای را مطرح می‌کند، خلق نمود، باید دانست که این مقررات از ثبات چندانی برخوردار نخواهند بود و آن به دلیل به وجود آمدن خلاءهای ناشی از تحول و پیشرفت دائمی فناوری در جهان واقعیت مجازی است. آیا باید سازوکاری طراحی کرد که وظیفه‌اش رفع خلاءهای ناشی از پیشرفت‌های فناوری و انطباق این قواعد با آن پیشرفت‌ها در جهان واقعیت مجازی باشد؟ باید دانست که آن خلاءها قطعاً با روش‌های سنتی اصلاح نمی‌شوند و خلق قواعد بین‌المللی به وسیله عرف سنتی هم ممکن نیست. بنابراین متاورس چالش‌های حقوقی بس عظیمی را فرآوری جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. چالش‌هایی که گذار از آنها فقط با اراده مدیران اصلی جامعه و ستفالیایی یعنی دولت‌ها ممکن نیست. به نظر می‌رسد قبل از آنکه قواعدی برای جهان واقعیت مجازی تدوین شوند، نیاز به یک وفاق کامل میان کلیه کنشگران این جهان باشد. وفاق که دستیابی به آن در جامعه بین‌الدولی کنونی بعید می‌نماید. و این یک بار دیگر حکایت از بحرانی‌تر شدن ساختاری می‌کند که در آن دولت مذبوحانه تلاش می‌نماید تا همچنان مدبر و تصمیم‌گیر اصلی و خالق نظم حقوقی حاکم بر آن باشد، نظمی که پایه‌هایش با بحران‌های پی در پی به لرزه درآمده، هر لحظه امکان فرو ریختن آن وجود دارد.



## منابع

### A-Book

1. Ball Mattew, "The Metaverse: And How It Will Revolutionize Everything", published by Liveright Publishing, New York, First Edition 2022, 15 chapters
2. Laye Sebastien, Moyrand Emmanuel, "Metavers: une vision pratique", ed: Eyrolles, Paris, 2023, 190 pages.
3. Loukili Ghizlane, "Droit du Metavers", ed: LGDJ, Paris, 2024, 300 pages.
4. Rodriguez Philippe, "La Revolution Metavers: Le defi de la nouvelle Frontiere d'Internet", ed: Dunod, 2022, 192 pages.

نویسنده در بخش اول که حاوی ۴ فصل است، به تشریح و تعریف «متاورس» می‌پردازد. سپس در بخش دوم که شامل ۷ فصل است، به «ساختار متاورس» توجه می‌کند. سرانجام در بخش سوم که دربرگیرنده ۴ فصل است، «متاورس همه چیزها را دچار دگرگونی خواهد کرد» را مورد بررسی قرار می‌دهد.

5. Council of Europe and IEEE, "The Metaverse and its impact on human rights", the rule of Law and democracy, 2024, 126 pages.

## B-Article

1. Ecemis Yilmaz Hatice Kubra, "Legal issues of the Metaverse: A public International Law", Law and Justice Review, 2024, pp. 49-77.
2. Roussier Etienne, Musique Mathieu, "Personnalite juridique, responsabilite et regime de sanctions des Avatars dans les Metavers: quell cadre legal?", En partenariat avec Legal – Digital, le 29 Novembre 2022, Date de reference Aout 2024.
3. Berendes Pierre, "Regardes vers l'avenir – Les actifs de propriete intellectuelle et les Metavers", in Metavers Tribune, le 15 Juin 2024, Date de reference, Aout 2024.
4. "erie sur les technologies emergentes: Lois Canadiennes, Americaines et Europeennes entourant le Metavers", in perspectives, 02 Juin 2023, Date de reference, Aout 2024.
5. "Le Metavers, Les NFT, les droits de propriete intellectuelle: reglementer ou ne pas reglementer?" In OMPI(WIPO) Magzine, 2022, Date de reference, Aout 2024.
6. Bettach Sacha, "Infractions dans le Metavers: un terrain de jeu virtuel pour des delinquants reels", Date de reference, Aout 2024.
7. Norwegian Human Rights Institution (NIM), "Human Rights in the Metaverse", Report, Accessed September 2024.
8. Choudhury Bornali, "Business and Human Rights in the Metaverse", Cambridge University Press and Assessment, March 31, 2023.
9. Vanorio Fabio, "Metaverse: Implication for security and Intelligence", in NATO Defense College Foundation, Accessed, Agust 2024.
10. Marler Timothy, Abdurahaman Zara Fatima, Boudreaux Benjamin, Gulden Timothy R., "The Metaverse and Homeland security", in RAND, May 22, 2023, Accessed, Agust 2024.
11. Ayoub Ali, "Metaverse adoption and implication for international security and safety professionals", March 13, 2023.
12. Masili Marco, "Guerre a la carte: Cyber, Information, cognitive warfare and the Metaverse", in Applied Cyber security and Internet Governance (ACIG), Vol 2, N1, 2023.